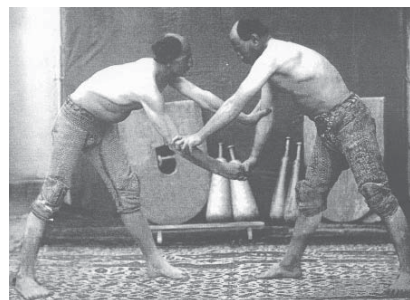


تهیه و تنظیم:  
مهندس اکبر شیرزاده

# پژوهشی در نساجی ایران دوران قاجار

تصویر شماره ۱. دو پهلوان ایرانی



همان طور که گفته شد پشم ایران هفده برابر مقاومتر از پشم استرالیا مرینوس می باشد و دلیل آن که ترمه و قالی های ایرانی برتری نسبت به پشم استرالیا دارد و در قالی دوام بسیار داشته و در موقع جارو زدن شکسته و خرد نمی شود. دوم رنگ قالی و پارچه های ترمه ایرانی در مقابل عوامل، تغییر نکرده و ثابت می ماند. سوم؛ طراحی پارچه و قالی و نقوش آن که بسیار مورد تعمق بوده و بی نظیر می باشد.

تصویر شماره ۱، دو پهلوان ایرانی را نشان می دهد که در حال کشتی گرفتن هستند. آنان ملبس به شلوارک ترمه منقوش به طرح بته جقه هستند. دلیل استفاده از طرح ترمه علاوه بر زیبایی، دوام این نوع شلوارکها در مقابل زورآزمایی دو حریف می باشد.

علاوه بر آن، زانو بندهای بسیار محکم روی شلوارک نصب شده است. پوشیدن این نوع شلوارکها در زورخانه هزاران سال متداول بوده و ورزشکاران باستانی از آنها استفاده می نمودند. راحتی و استحکام آن در تصویر کاملاً مشخص است.

در تصویر شماره ۲، یک دستگاه بافندگی دستی جهت بافت شال ترمه مشاهده می شود که با دو شاگرد به کار

تصویر شماره ۲. دستگاه بافندگی دستی



مشغول است. این نوع دستگاه روی گودالی نصب می شد و کارگران روی لبه سکو می نشستند و عمل بافت را انجام می دادند. تمام قطعات دستگاه بافندگی از چوب ساخته شده و به راحتی قابل استفاده بود اما فقط وزرا و درباریان نبودند که پارچه های انگلیسی و روسی را خریده و تبدیل به لباس می کردند بلکه به تدریج عامه مردم، کسبه بازار و کارگران هم خریدار این نوع پارچه شدند.

در تصویر شماره ۳، شش استاد بنا و معمار حضور دارند که پروژه ساختمانی آنها از پشت سرشان قابل مشاهده است. برای نمایش خود و ساختمان تمام شده جلوی آن ایستاده و نشستند.

همه لباسها پشمی و بعضی به صورت عبا و یکی به صورت پالتو و شلوار دیده می شود. عباها لبه دوزی شده اند و دارای تزئین نواردوزی هم هستند. روی پالتو، تکه دوزی نشده و به صورت ساده است.

جعفر قلی خان نیرالملک، علاوه بر ریاست دارالفنون سمت نیابت وزارت علوم را نیز عهده دار بود و تا سال ۱۲۹۹ قمری در این دو شغل باقی و برقرار بود. در این سال میرزا اسداله خان نایب اول وزارت علوم شد.

در سال ۱۳۰۲ قمری ملقب به نیرالملک گردید و در سال

تصویر شماره ۳. تعدادی استاد بنا و معمار

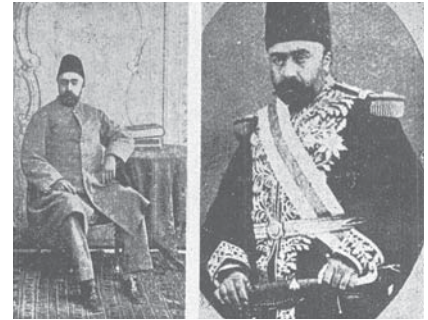


۱۳۱۳ بر حسب استدعای مخبرالدوله برادرش وزیر داخله، وزیر علوم شد و امور مدرسه دارالفنون هم زیر نظر وی بود. در سال ۱۳۱۵ قمری فرزند خود - رضاقلی خان - را رئیس مدرسه نمود.

جعفر قلی خان نیرالملک تا سال ۱۳۲۲ قمری به مدت ۹ سال وزیر علوم بود. در سال ۱۳۲۳ قمری، میرزا محمودخان علاءالملک به جای وی، وزیر علوم شد و رضاقلی خان پسر نیرالملک مانند گذشته رئیس مدرسه دارالفنون بود. وی بار دیگر در دوره مشروطیت در سال ۱۳۲۵ قمری در کابینه اول میرزا احمد خان مشیرالسلطنه فقط مدت یکماه وزیر علوم بود و بعدها به کاری اشتغال نداشت.

تصویر شماره ۴، جعفر قلی خان نیرالملک را نشان می دهد. در سمت راست با لباس پشمی اروپایی که با تکه دوزی و گلابتون دوزی تزئین شده و به صورت زیبایی سراسین ها تکه دوزی و نواردوزی شده اند. حمایل ابریشمی از شان هراست به طرف پایین به طور مورب دیده می شود و کمر بند زرین و شمشیر به لباس جلوه زیبایی داده است. در سمت چپ، لباس پشمی ایرانی به صورت پالتو و شلوار و کاملاً ساده دیده می شود که خود بیانگر ابهت لباس می باشد.

تصویر شماره ۴. جعفرقلی خان نیرالملک



عصر سلطنت ناصرالدین شاه، عصر تاریک و شرم‌آوری از تاریخ ایران است. عصری است مملو از ظلم، ستم و جنایت. دوره‌ای است آکنده از جهل و بی‌خبری. توده‌های وسیع مردم بیسواد بودند و شاه و درباریان از این جهل و بیسوادی حداکثر استفاده را می‌بردند. ناصرالدین شاه در میان درباریان متملق، چاپلوس و فاسد محصور بود. کار چاپلوسی برای این پادشاه به جایی رسیده بود که شمس الشعراء در روزهای عید در قصیده‌ای که برای شاه می‌خواند، ادعا کرد این که خورشید و سیارات دور زمین در گردش هستند و بین آنها تصادفی روی نمی‌دهد و هر یک در مدار خود حرکت می‌کنند از قدرت و برکت ناصرالدین شاه است و خورشید بدون اجازه وی سر از خاور بر نمی‌آورد!!!

ناصرالدین شاه، پادشاهی هوسباز بود که به آزادی، حقوق انسانی، قانون و قانون‌گذاری مطلقاً اعتقادی نداشت. سرپرسی سایکس می‌نویسد: «این وزیر جدید (امیرکبیر) مصمم گشت که دوائر پوسیده دولتی را اصلاح کرده به تمام تجاوزها و سوءاستفاده‌های که جریان داشت از قبیل خرید و فروش مشاغل و حکومتات، دادن وظایف و مستری فراوان به اشخاص نالایق و بالاخره غارت سربازان دولت از طرف افسران و صاحب‌منصبان خاتمه دهد. در ابتدا پیشرفتش اندک بود. چون معدودی از ایرانیان می‌توانستند وجود وزیر صدیق، پاکدامن و منزه از ارتشاء را تاب آورند و آن را مغتنم و مایه افتخار بدانند در نهایت این امر که رشاء و ارتشاء بی‌حاصل است به تدریج در همه جای بیشتر و بیشتر و نافذ شد خلاصه او به پشتیبانی افکار و احساسات عده‌ای، موفق به اصلاح مفاسد و خرابی‌ها یکی پس از دیگری شده و حالیه کشور را روی پایه و اساس محکمی نهاد.»

امیرکبیر هر چیز را که باعث ترقی دولت و ملت بود فراهم می‌آورد. شاگردان بسیاری را به فرنگ فرستاد و آنها را موظف ساخت که هر یک تحصیلات عالی نمایند و به ایران مراجعت کنند. آن شاگردان پس از چندی تحصیل و تکمیل دروس به ایران آمدند و هر یک استاد ماهر در هندسه، طب، جغرافیا، نقاشی، زبان، فنون نظامی و... شدند.

تصویر شماره ۵. ناصرالدین شاه



تمام مملکت در امنیت به سر می‌برد. تعلیم و تربیت عالی بود و سرمایه مملکت صرف تأسیس راه‌ها، چاپخانه‌ها و... شد. سرکشان و یاعی‌ها کنترل شدند و کسبه و تجار و مردم در رفاه قرار گرفتند. زورگویی و باج‌گیری، ممنوع و در کل همه امور بر وفق مراد بود اما حاسدان، معاندین و زیاده‌خواهان همگی دست به دست هم دادند و شروع به بدگویی امیرکبیر نزد ناصرالدین شاه نمودند و در این مسیر از کمک مادر شاه - مهدعلیا - نیز بهره‌ها بردند در نهایت دستور قتل امیرکبیر دریافت و به دست حاج علی‌خان فراش‌باشی رسید.

در تصویر شماره ۵، لباس ناصرالدین شاه از پارچه پشمی اروپایی است که روی آن تکه‌دوزی و نواردوزی شده است. سرآستین‌ها گلابتون دوزی شده و لباس تزئین بسیار زیبایی دارد.

اروپائیان به طور مستمر پارچه‌های پشمی خود را مرتب‌تر و زیباتر تولید می‌کردند تا در مقابل ترمه ایران ایستادگی کنند و بازار این محصول ایرانی را در جهان به خود اختصاص دهند ولی هر چه کوشش می‌کردند که پارچه ایرانی را از گردونه تولید خارج کنند، موفق نمی‌شدند چون قادر نبودند پارچه‌ای مشابه ترمه ایرانی تولید نمایند. در کارگاه‌های ایران دو دستگاه بافندگی دائر کرده بود و می‌توانست روزانه دو متر پارچه تولید کند برای اروپائیان تولید چنین پارچه‌هایی بسیار گران تمام می‌شد چون تعداد ۱۰ تا ۱۲ کارگر به روی هر دستگاه بافندگی باید طی ۸ ساعت کار می‌کرد و نخ‌های تار پارچه را با دستان خود بالا و پایین می‌بردند تا یک طرح بته جقه در پارچه به وجود آورند. این عمل روی ماشین‌های اتوماتیک اروپایی غیرممکن بود و

تصویر شماره ۶. ناصرالدین شاه



از لحاظ اقتصادی نیز مقرون به صرفه نبود اما کارگران ایرانی، با حوصله و پشتکار خود این عمل را انجام می‌دادند و گوی سبقت را از خارجیان می‌ربودند. تا زمانی که ژوزف ژاکارد دستگاه خود را ارائه نکرده بود بدین منوال پارچه پشمی ایرانی (ترمه) بازار جهانی را به خود مشغول کرده بود و هر روز یک طرح تازه در پارچه‌های ترمه ایران ایجاد و روانه بازار می‌شد.

در تصویر شماره ۶، ترمه‌های تکمیل شده زیبا و جدیدی بر تن ناصرالدین شاه دیده می‌شود. در این ترمه طرح بته جقه به کار رفته و در مقابل نور خورشید جلوه‌گری خاصی داشت. لابلای این نوع بته جقه، طرح گیاهان بسیار زیبا به صورت پیچک حرکت کرده و نقش پرکننده در فواصل پارچه را ایفا می‌کند. لباس کاملاً به سبک جدیدی دوخته شده و براننده می‌باشد.

با همراهی مهدعلیا، جانشین بسیار نالایق، مکار، حسود، ابن‌الوقت، متملق، خودنما، چاپلوس، بی‌مسئولیت، یاهوگو و بدزبان و در عین حال شیک‌پوش با ظاهری بسیار خوش نما به صدارت رسید یعنی میرزا آقاخان نوری که مملکت را به باد فنا داد.

تصویر شماره ۷، به وسیله نقاش معروف دوران ناصرالدین شاه، ابوالحسن غفاری نقاش‌باشی در سال ۱۲۷۰ قمری ترسیم شده است.

میرزا نصرالله خان نوری معروف به میرزا آقاخان و ملقب به «اعتمادالدوله» در سال ۱۲۲۲ ه. ق متولد شد. پدرش میرزا اسدالله از اهالی نور مازندران و جزو اولین کسانی بود که به هنگام جمع‌آوری سپاه توسط آغا محمدخان در مازندران به وی پیوست و راه رشد و ترقی را پیمود تا به منصب



تصویر شماره ۸. میرزا کاظم خان نظام الملک و میرزا آقاخان نوری



تصویر شماره ۷. میرزا آقاخان نوری



بته جقه تکه دوزی و برجسته شده‌اند، نشان‌های درباری نیز در طرف راست سینه نصب شده‌اند.

میرزا کاظم خان با نصب شال‌های درباری جلوه لباس را بیشتر کرده است. در کنار آنها رکن‌الدین میرزا امیر توپخانه و امیر قاسم میرزا امیر نظام و ولیعهد با لباس پشمی اروپایی ملبس شده‌اند.

میرزا آقاخان چون مردی جاه طلب بود و از طرفی از حمایت انگلیسی‌ها برخوردار بود با توطئه توانست امیر کبیر را از قدرت برکنار و با همدستی مخالفان دیگر امیر کبیر او را بقتل رساند و راه را برای صدارت خود هموار کند.

میرزا آقاخان نوری در سمت مزبور باقی و برقرار بود و چون باطناً به مقام و شغل وزارت لشگری قناعت نمی‌کرد و روز به روز بر جاه طلبی وی افزوده می‌شد، در سن ۴۰ سالگی با حاج میرزا آقاسی درافتاد و به امر حاجی پانصد چوبش می‌زند و تا حاجی بر سر کار بود میرزا آقا خان هم در تبعیدگاه خود در کاشان به سر می‌برد تا این که محمد شاه فوت کرد و مهد علیا تا آمدن ناصرالدین شاه خودش نایب‌السلطنه شد.

میرزا آقا خان آن قدر حيله‌گر بود که در آن زمان در میان مردم چنین شهرت داشت که شیطان تا پس قلعه می‌آید و از آن جا می‌پرسد: «میرزا آقا خان در تهران است؟» جواب می‌دهند بلی، شیطان جواب می‌دهد: «جایی که میرزا آقا خان هست من راه ندارم. یا باید جای او باشد یا جای من» و بر می‌گردد!!!

در تصویر پایانی، تعدادی از سربازان ناصرالدین شاه دیده می‌شود که تحت نظارت فرزند میرزا آقاخان اداره می‌شدند. همگی ملبس به لباس پشمی ایرانی هستند.

نویسی به ثروت زیادی دست یافت و در سال ۱۲۵۱ ه. ق عنوان لشکر نویسی را به وزارت لشکر تغییر داد.

او حتی در زمان صدارت هم این شغل را داشت تا در اواسط صدارت به دستور ناصرالدین شاه به «میرزا عنایت الله امین لشکر» واگذار شد و پس از مرگ عنایت الله میرزا آقاخان فرزند خود «داودخان» را که پانزده سال بیشتر نداشت وزیر لشکر نمود و او تا سال ۱۲۷۵ ه. ق یعنی سال عزل پدر در این سمت بود.

در تصویر شماره ۸، میرزا کاظم خان نظام الملک و میرزا آقاخان نوری ملبس به ترمه بته جقه مرکب مشاهده می‌شود.

در لباس میرزا آقاخان، بته جقه به صورت گلابتون تکه دوزی شده، لبه‌های لباس به صورت زیبا توسط گلابتون

لشکر نویسی باشی (وزیر لشکر) رسید. هنگامی که میرزا اسدالله خان از دنیا رفت چند تن از فرزندان او در خدمت فتحعلی شاه مشغول انجام وظیفه بودند، کوچک‌ترین آنها میرزا آقاخان بود، گر چه وی نوجوانی بیش نبود؛ اما به سبب جوهر ذاتی و غیر فطری، ارشد و بالاتر از سایرین بود وی در دربار قاجار «عارض سپاه» و «لشکر نویس» درگاه گردید و بعد چندی به منصب «وزارت لشکر» رسید.

میرزا آقاخان قبل از رسیدن به منصب لشکر نویسی در خدمت «اللهیارخان آصف الدوله» مشغول انجام وظیفه بود که تمایلات جانبداری از انگلیسی‌ها را داشت.

او در جوانی با هوش و با استعداد و چرب زبان بود به همین دلیل توانست در دستگاه قاجاریه و مخصوصاً حکومت فتحعلی شاه و محمد شاه ترقی کند و از طریق شغل لشکر



تصویر شماره ۹. تعدادی از سربازان ناصرالدین شاه